

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

رساله دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی نظریه‌ی قصدی‌گرایی از منظر

هرمنوتیک و اصول فقه

استاد راهنما:

دکتر محمد صادق علمی

استاد مشاور:

دکتر محمد کاظم علمی

نگارنده:

علیرضا عابدی سرآسیا

پاییز ۱۳۸۹

تقدیم

به آستان

حصه

و آنان که:

مستوری حقیقت را به مستی جهالت نیامیختند؛

جویای وصالش شدند؛

در آغوشش کشیدند؛

و خود،

حقیقت گشتند.

تقدیر و تشکر

بایسته است مراتب قدردانی‌ام را نثار اساتید ارجمند جناب آقای دکتر محمد صادق علمی و جناب آقای دکتر محمد کاظم علمی نمایم که از راهنمایی‌های مشفقانه‌شان در تمامی مراحل این نوشتار استفاده کرده‌ام و قوام و غنای این رساله را مدیون خوشه چینی از محضر ایشان و به‌کار بستن توصیه‌های عالمانه و محققانه‌شان می‌دانم؛ و بی‌گمان تمام اساتید محترمی که در طول مدت تحصیل خود از محضر آنان بهره بردم، در موفقیت علمی این جانب مؤثر و سهیم بوده و بر خود لازم می‌دانم از آنان قدردانی نمایم.

خود را منت‌گزار آنانی می‌دانم که حمایت‌های بی‌دریغشان و دعای خیرشان سرمایه‌ی گران‌قدر عرصه‌های گوناگون زندگی‌ام بوده است؛ به ویژه مادر گرامی‌ام که دستان پر مهرش بوسه گاه همیشگی‌ام خواهد بود، و همسر و همراه همیشگی‌ام که اسباب فراغت و دلگرمی من را فراهم نمود.

اما خامه‌ی قلم، که همواره عجز مرا به رخ می‌کشد، چگونه می‌تواند مراتب سپاس قلبی‌ام را بیان کند و قطره‌ای از محبت‌ها را جبران نماید؟

سخن عشق نه آن است که آید به زبان
ساقیا می‌ده و کوتاه کن این گفت و شنود
بی‌شک تمامی اشتباهات و کمبودهایی که در این نوشتار مشاهده می‌شود به کسی جز نگارنده
منسوب نخواهد بود.

چکیده

کشف نیت مؤلف یا «قصدی‌گرایی» به همان میزان که از مهم‌ترین و پرسابقه‌ترین اهداف فهم است، پر مناقشه‌ترین و بحث‌انگیزترین نیز می‌باشد. اشکالات و ادله‌ای که علیه آن مطرح گشته بسیاری از نظریه‌پردازان را قانع کرده است تا قصدی‌گرایی را هدفی غیرممکن یا نامطلوب تلقی کنند. در این نوشتار، که یک پژوهش توصیفی-انتقادی و با ابزار گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است، با بررسی مبانی اثرگذار بر مسأله‌ی اهداف فهم، زمینه‌ی مناسبی برای پذیرش «تکثر معنایی متن» و نظریه‌ی «شمول‌گرایی معنایی» از یک سو، و نیز طرح نظریه‌ی مورد قبول در اهداف فهم، یعنی: «قصدی‌گرایی شمولی» فراهم گشته است.

از طرفی با مشخص کردن اقسام قصد، انواع مختلف قصدی‌گرایی از یکدیگر متمایز گشته و تصویری از قصدی‌گرایی اصولیان نیز ارائه گردیده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین اهداف قابل تلفیق با قصدی‌گرایی مورد اشاره قرار گرفته؛ دلایل و شواهد علیه قصدی‌گرایی، احصا و بررسی شده؛ تصوّرات نادرستی که در مورد آن وجود دارد، مشخص و ابطال گشته؛ نظریه‌ی درست و مورد قبول در این زمینه مستدلاً بیان گردیده؛ و نهایتاً ویژگی‌ها و اقتضائات خاص متون شرعی در رابطه با اهداف فهم مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

هرمنوتیک، اصول فقه، هدف فهم، قصدی‌گرایی، قصدی‌ستیزی.

فهرست مطالب

د	تقدیر و تشکر
ه	چکیده
ه	واژگان کلیدی
و	فهرست مطالب
م	شرح علایم و اختصارات
۲	فصل ۱. مقدمات و کلیات
۲	۱-۱. مقدمات
۲	۱-۱-۱. پیش‌گفتار
۳	۱-۱-۲. تعریف مسأله و تبیین موضوع
۵	۱-۱-۳. ضرورت، اهمّیت و اهداف پژوهش
۶	۱-۱-۴. پرسش‌های اصلی (و فرعی) پژوهش
۷	۱-۱-۵. فرضیه‌های پژوهش
۷	۱-۱-۶. پیشینه‌ی پژوهش
۸	۱-۱-۷. منابع پژوهش
۹	۱-۱-۸. کاربردهای پژوهش
۹	۱-۱-۹. جنبه‌های جدید بودن و نوآوری پژوهش
۱۱	۱-۱-۱۰. استفاده‌کنندگان از نتیجه‌ی پژوهش
۱۱	۱-۱-۱۱. روش انجام پژوهش
۱۲	۱-۱-۱۲. ساختار پژوهش
۱۴	۱-۱-۱۳. محدودیت‌های پژوهش
۱۵	۱-۲. کلیات
۱۵	۱-۲-۱. تعریف اصول فقه
۱۷	۱-۲-۲. تعریف هرمنوتیک

۱۷ درآمد ۱-۲-۲-۱
۱۷ تعریف لغوی هرمنوتیک ۱-۲-۲-۱
۲۱ تعریف اصطلاحی هرمنوتیک ۱-۲-۲-۲
۲۶ تاریخچه‌ی هرمنوتیک ۱-۲-۳
۴۳ فصل ۲. قصدی‌گرایی و اهداف فهم
۴۳ درآمد ۲-۱
۴۵ معنا در هرمنوتیک و اصول فقه و نقش آن در اهداف فهم ۲-۲
۴۵ نظریه‌های معنا ۲-۲-۱
۴۵ چستی نظریه‌ی معنا ۲-۲-۱-۱
۴۶ نگاهی گذرا به مهم‌ترین نظریات معنا ۲-۲-۱-۲
۴۶ نظریه‌ی ارجاعی یا اشاره‌ای ۲-۲-۱-۲-۱
۴۸ نظریه‌ی تصویری یا ذهنی ۲-۲-۱-۲-۲
۴۹ نظریه‌ی تحقق‌پذیری یا اثبات‌پذیری ۲-۲-۱-۲-۳
۵۰ نظریه‌ی شروط صدقی ۲-۲-۱-۲-۴
۵۱ نظریه‌ی استعمالی یا بازی‌های زبانی ۲-۲-۱-۲-۵
۵۴ نظریه‌ی رفتاری و نظریه‌ی کارکردی ۲-۲-۱-۲-۶
۵۷ نظریه‌ی دریافت ۲-۲-۱-۲-۷
۵۹ نظریه‌ی مجموعه تفاسیر ۲-۲-۱-۲-۸
۶۲ نظریه‌ی بینامتنی ۲-۲-۱-۲-۹
۶۹ نظریه‌ی قصدی‌گرایی ۲-۲-۱-۲-۱۰
۷۰ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۲-۲-۱-۳
۷۴ نظریه‌های معنا نزد دانشمندان اصول فقه ۲-۲-۱-۴
۷۴ جهت اول: موضوع له الفاظ ۲-۲-۱-۴-۱
۷۴ نگاهی به اقوال مختلف در مسأله ۲-۲-۱-۴-۱-۱
۷۵ بررسی مهم‌ترین نظریه‌ها ۲-۲-۱-۴-۱-۲

- ۷۵..... نظریه‌ی وضع برای امور خارجی ۲-۲-۱-۴-۱-۱-۱
- ۷۸..... نظریه‌ی وضع برای امور ذهنی ۲-۲-۱-۴-۱-۱-۲
- ۷۹..... نظریه‌ی وضع برای نفس طبیعت یا مفهوم ۲-۲-۱-۴-۱-۱-۳
- ۸۳..... جمع بین دو نظر مشهور (مقدمان و متأخران) ۲-۲-۱-۴-۱-۳
- ۸۹..... جهت دوّم: مدلول الفاظ ۲-۲-۱-۴-۲
- ۹۳..... جمع‌بندی دیدگاه اصولیان ۲-۲-۱-۴-۳
- ۹۴..... تعیین یا عدم تعیین معنا ۲-۲-۲
- ۱۰۱..... تغییر یا ثبات معنا ۲-۲-۳
- ۱۰۴..... وحدت یا کثرت معنا ۲-۲-۴
- ۱۰۴..... مبانی کثرت معنایی متن ۲-۲-۴-۱
- ۱۰۶..... کثرت معنایی در نظریه‌ی قصدی‌گرایی (تکثر معنای قصدی) ۲-۲-۴-۲
- ۱۱۰..... کثرت معنا در متون دینی ۲-۲-۴-۳
- ۱۱۹..... اهداف بیان و نقش آن در اهداف فهم ۲-۳
- ۱۱۹..... بحث اخبار و انشا ۲-۳-۱
- ۱۲۸..... بحث کارکردهای زبان ۲-۳-۲
- ۱۲۹..... نگاهی به تنوع کارکردها ۲-۳-۲-۱
- ۱۳۶..... کارکرد معمولی و کارکرد ادبی ۲-۳-۲-۲
- ۱۳۷..... کارکرد معمولی زبان ۲-۳-۲-۲-۱
- ۱۴۱..... کارکرد ادبی (شعری) زبان ۲-۳-۲-۲-۲
- ۱۵۵..... جمع‌بندی بحث اهداف بیان ۲-۳-۳
- ۱۶۱..... قصدی‌گرایی به عنوان هدف فهم ۲-۴
- ۱۶۱..... تعریف قصدی‌گرایی ۲-۴-۱
- ۱۶۳..... مفهوم و اقسام قصد و نیت ۲-۴-۲
- ۱۶۳..... قصد روان‌شناختی و قصد پدیدارشناختی ۲-۴-۲-۱

- ۱۶۴..... ۲-۴-۲-۲. قصد معنایی، قصد مقوله‌ای و قصد انگیزشی
- ۱۶۵..... ۲-۴-۲-۳. قصد واقعی و قصد فرضی
- ۱۶۶..... ۲-۴-۲-۴. قصد درونی و قصد بیرونی
- ۱۶۷..... ۲-۴-۲-۵. قصد واقعی و قصد ظاهری
- ۱۶۹..... ۲-۴-۲-۶. قصد استعمالی و قصد جدی
- ۱۷۰..... ۲-۴-۳. اقسام قصد‌گرایی
- ۱۷۰..... ۲-۴-۳-۱. قصد‌گرایی معنایی و قصد‌گرایی تفسیری
- ۱۷۱..... ۲-۴-۳-۲. قصد‌گرایی واقعی و قصد‌گرایی فرضی
- ۱۷۵..... ۲-۴-۳-۳. قصد‌گرایی انحصاری و قصد‌گرایی شمولی
- ۱۷۶..... ۲-۴-۴. نظریه‌ی قصد‌گرایی اصولیان
- ۱۸۲..... ۲-۵. قصد‌گرایی و برخی دیگر از اهداف فهم
- ۱۸۵..... ۲-۵-۱. کشف واقعیت هنری یا حقیقت درونی متن
- ۱۸۷..... نقد و بررسی
- ۱۸۹..... ۲-۵-۲. کشف امکانات اصیل و اولیه
- ۱۹۲..... ۲-۵-۳. کشف معانی امروزی: معقول‌سازی، اسطوره‌زدایی، فهم عصری و تصاحب
- ۱۹۵..... ۲-۵-۴. ارزش‌افزایی و توجه به تمامی امکانات معنایی
- ۱۹۹..... نقد و بررسی
- ۲۰۷..... فصل ۳. قصد‌ستیزی و مشکلات پیش روی قصد‌گرایی
- ۲۰۷..... ۳-۱. قصد‌ستیزی و نظریه‌ی مرگ مؤلف
- ۲۰۹..... ۳-۲. مهم‌ترین دلایل بی‌اعتقادی به نیت مؤلف
- ۲۱۰..... ۳-۲-۱. فقدان قصد پیشینی
- ۲۱۰..... ۳-۲-۱-۱. فقدان قصد در متون ادبی
- ۲۱۱..... ۳-۲-۱-۲. فقدان قصد در متون الهی
- ۲۱۱..... ۳-۲-۱-۲-۱. بیان مسأله
- ۲۱۳..... ۳-۲-۱-۲-۲. مفهوم مراد مؤلف

- ۳-۲-۱-۲-۳. مفهوم کلام و تکلم الهی و ارتباط آن با بحث مراد ماتن ۲۱۴
- ۳-۲-۱-۲-۴. مفهوم اراده‌ی الهی و ارتباط آن با بحث مراد ماتن ۲۱۶
- ۳-۲-۱-۲-۵. هدف‌مندی افعال الهی و ارتباط آن با بحث مراد ماتن ۲۲۰
- ۳-۲-۱-۲-۶. جمع‌بندی مسأله‌ی قصد در متون دینی ۲۲۴
- ۳-۲-۲. نشأت نگرفتن معانی متن از نیات مؤلف ۲۲۶
- ۳-۲-۲-۱. نقش زبان، سنت و بینامتنیت به عنوان منشأ و منبع معنا ۲۲۶
- نقد و بررسی ۲۳۴
- ۳-۲-۲-۲. نظریه‌ی شخص و نفی خود یکپارچه ۲۳۷
- نقد و بررسی ۲۳۷
- ۳-۲-۲-۳. نقش ناخودآگاه در معنای متن ۲۳۸
- نقد و بررسی ۲۴۱
- ۳-۲-۳. عدم دسترسی به نیات مؤلف ۲۴۱
- ۳-۲-۳-۱. نقش سنت و دخالت پیش‌فرض‌ها در فهم ۲۴۲
- نقد و بررسی ۲۴۵
- ۳-۲-۳-۲. خصوصی بودن نیات ۲۴۹
- نقد و بررسی ۲۵۱
- ۳-۲-۳-۳. تسلسل نهفته در قصدی‌گرایی ۲۵۷
- نقد و بررسی ۲۵۸
- ۳-۲-۴. عدم ضرورت، یا اهمّیت و مطلوبیت قصد برای تفسیر ۲۶۰
- ۳-۲-۴-۱. صحّت تفسیر متن بدون شناخت مؤلف یا نیّت او ۲۶۰
- نقد و بررسی ۲۶۱
- ۳-۲-۴-۲. بیرونی بودن قصد نسبت به اثر ۲۶۴
- نقد و بررسی ۲۶۶
- ۳-۲-۴-۳. اهمّیت موضوع، حقیقت یا معنای عصری متن ۲۷۰

۲۷۲	نقد و بررسی
۲۷۲	۳-۲-۵. نادرستی طرح قصد به عنوان معیار معنا و تفسیر اثر یا ملاک ارزشیابی آن
۲۷۳	۳-۲-۵-۱. قصدی‌گرایی و تحدید معانی متن
۲۷۸	نقد و بررسی
۲۸۰	۳-۲-۵-۲. قصدی‌گرایی و مغالطه‌ی قصدی
۲۸۱	۳-۲-۵-۲-۱. مغالطه‌ی ارتباط دادن معنا و تفسیر اثر با قصد صاحب اثر
۲۸۳	نقد و بررسی
۲۸۷	۳-۲-۵-۲-۲. مغالطه‌ی ارتباط دادن ارزش و ارزشیابی اثر با قصد صاحب اثر
۲۸۸	نقد و بررسی
۲۹۰	۳-۲-۵-۲-۳. مغالطه‌ی مصادره به مطلوب (مغالطه‌ی سیندرلا)
۲۹۱	نقد و بررسی
۲۹۳	۳-۲-۵-۳. قصدی‌گرایی و جزمیت در تفسیر
۲۹۴	نقد و بررسی
۲۹۵	۳-۲-۵-۴. قصدی‌گرایی و پیدایش نظریه‌ای غیر مضبوط و دلخواهی در مورد معنای اثر
۲۹۶	نقد و بررسی
۲۹۹	۳-۲-۶. وجود احتمالات خلاف ظاهر در کشف معانی قصدی
۳۰۱	نقد و بررسی
۳۰۵	فصل ۴. نتایج و پیشنهادها
۳۰۵	۴-۱. قصدی‌گرایی و اهداف فهم
۳۰۸	۴-۲. مشکلات پیش روی قصد مؤلف و ارائه‌ی تصویر صحیح و مورد قبول از قصدی‌گرایی
۳۱۲	۴-۳. ویژگی‌های متون دینی و اقتضائات خاص آن‌ها در رابطه با اهداف فهم
۳۲۳	۴-۴. پیشنهادها و طرح‌های پیش روی
۳۲۴	نمایه‌ها
۳۲۴	الف. نمایه‌ی آیات
۳۲۵	ب. نمایه‌ی روایات

۳۲۵.....	ج. نمایه‌ی اسامی معصومان (ع).....	
۳۲۵.....	د. نمایه‌ی اسامی غیر معصومان.....	
۳۳۰.....	فهرست منابع.....	
۳۳۰.....	الف. منابع فارسی و عربی.....	
۳۵۱.....	ب. منابع انگلیسی و سایر زبان‌ها.....	
۳۵۸.....	ج. منابع الکترونیکی (نرم افزارها، سایت‌ها، وبلاگ‌ها و...).....	
Abstract		360
Key words		360

شرح علایم و اختصارات

- شماره گذاری عناوین مباحث بر طبق روابط ریاضی و از چپ به راست انجام شده است. عدد سمت چپ نشان‌گر شماره‌ی فصل و عدد سمت راست، نشان‌گر شماره‌ی ترتیب رابطه در هر فصل می‌باشد. مثلاً رابطه‌ی چهار در فصل یک به صورت ذیل نشان داده شده است: ۴-۱.

- در ارجاعات، در صورتی که مطلب نقل شده از چند صفحه ذکر شده باشد در فارسی از اصطلاح «صص» و در انگلیسی از اصطلاح «pp» استفاده می‌شود. در این مورد نیز شماره‌ی صفحات از چپ به راست ذکر شده است (مثلاً صص: ۱۶-۱۱). لازم به ذکر است که گاهی در این موارد، شماره‌ی صفحات، خلاصه شده و تنها رقم دوم آن ذکر می‌شود (مثلاً صص: ۶-۱۱). اما به جهت این که این تلخیص گاهی موجب ابهام می‌گردد (و مثلاً در مثال فوق ممکن است شش تا یازده خوانده شود نه یازده تا شانزده) از این روش خودداری شده است.

- در ارجاع به منبعی که قبلاً در همین نوشتار ذکر شده است، در انگلیسی از دو اصطلاح «Ibid.» و «op. cit» استفاده می‌شود، با این تفاوت که اصطلاح اول در موردی به کار می‌رود که منبع کنونی دقیقاً در ارجاع قبلی ذکر شده باشد و اصطلاح دوم در جایی به کار می‌رود که بین دو منبع تکراری، به جهت ذکر منبع دیگری، فاصله افتاده باشد. در این صورت، ابتدا نام مؤلف ذکر شده و سپس این اصطلاح به کار می‌رود و مفهوم آن این است که: همان منبعی که قبلاً ذکر شد از این مؤلف. برای تمایز گذاشتن میان این دو اصطلاح در فارسی، برای مورد اول (ارجاع بلافاصله)، اصطلاح «همان» را به کار بردیم و برای مورد دوم (ارجاع با فاصله)، اصطلاح «پیشین» را. همچنین در صورتی که از یک مؤلف دو اثر را به طور پی در پی ذکر کرده باشیم، در مورد دوم به جای ذکر نام مؤلف، از اصطلاح «همو» استفاده کرده‌ایم.

- نام کتاب‌ها به صورت *ایرانیک* (مورّب: *Italic*) و تیره (**Bold**) نوشته شده و نام مقالات داخل گیومه («») گذاشته شده است. بنابراین برای نمونه، باید به تفاوت دو مورد ذیل توجه داشت: واعظی، احمد، *درآمدی بر هرمنوتیک*؛ همو، «درآمدی بر هرمنوتیک».

- در برخی عبارات نقل قول شده، پسوند «یک» به کار رفته است. در توضیح این انتخاب بیان شده است: «کاربرد پسوند "یک" برای واژگانی است که با یای مصدری پایان می‌گیرند و از این رو یای نسبت به آن‌ها نمی‌چسبد (همچون هستی‌شناسیک که مدلولش همه‌ی آن چیزهایی است که به هستی‌شناسی منسوبند). باز زنده کردن این پسوند که در زبان پهلوی وجود داشت، کار استادانی است که بر سخن ادبی فارسی (دکتر شفیعی کدکنی)، تبارشناسی واژگان (دکتر ادیب سلطانی) و زبان‌شناسی تاریخی (داریوش آشوری) تسلط دارند. این جا نیاز به تکرار دلیل‌هایی نیست که آنان بر سودمندی و ضرورت کاربرد این پسوند آورده‌اند» (احمدی، ساختار و تأویل متن، ص ۳). لازم به ذکر است که در غیر از نقل قول‌های مستقیم، سعی شده است تا از پسوندهایی نظیر «ختی» (همچون هستی‌شناختی) و «انه» (مثل هستی‌شناسانه)، همراه با تغییرات مناسب در واژگان، استفاده شود.

- نقل قول‌های مستقیم، به تناسب مورد بحث، با دو روش مشخص شده‌اند: گاهی با علامت گیومه («») و در مواردی با جلو آوردن سطر پاراگراف (به اندازه‌ی یک سانتی متر) و کوچک کردن آن (به میزان یک شماره). احیاناً اگر در میان نقل قولی که با گیومه مشخص شده است، گیومه‌ی دیگری وجود داشته باشد در صورت کوتاه بودن و عدم ابهام، عیناً ذکر شده است و در غیر این صورت از نشانه‌ی " ... " استفاده شده است.

- در نقل قول‌های غیر مستقیم معمولاً صرفاً منبع مورد استناد ذکر می‌شود؛ اما در صورتی که عبارت نقل شده مورد تصرف قرار گرفته و نقل به مضمون شده باشد، از اصطلاح «ببینید» استفاده شده است. همچنین این اصطلاح در مواردی که مطلب ذکر شده، عیناً یا مضموناً ذکر نشده بلکه برداشتی از منبع مذکور باشد، مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به تذکر است که گاهی در فارسی از علامت‌های اختصاری دیگری نظیر «ر.ک» به معنای «رجوع کنید» استفاده می‌شود؛ اما از آن‌جا که در انگلیسی از واژه‌ی see استفاده می‌شود و از دیگر سو، خود واژه‌ی «ببینید» هم مختصر و هم گویاست، این واژه ترجیح داده شده است.

- چنانچه منبع مورد استناد، خود از منبع دیگری نقل قول کرده باشد، پس از ذکر آن منبع دیگر، عبارت «به نقل از» به کار رفته و سپس نام منبعی که مستقیماً مورد استناد قرار گرفته ذکر شده است. لازم به ذکر است که گاهی در همین مورد، از عبارت «نقل شده در» استفاده می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد این عبارت در صورتی مفهوم درستی دارد که پس از آن، نام کتاب یا مقاله بیاید و نه نام مؤلف. از آنجا که در این نوشتار، در ارجاعات، ابتدا نام مؤلف ذکر می‌شود، عبارت «به نقل از» ترجیح داده شده است. در همین مورد، در انگلیسی از عبارت «quoted in» استفاده می‌شود.
- برخی از مقالات که از اینترنت دریافت شده‌اند، فاقد شماره صفحه می‌باشند و این کار، امر ارجاع دادن را با مشکل مواجه می‌کند. در این موارد برای تسهیل کار، چنانچه عناوین مباحث در خود مقاله، شماره‌گذاری شده باشند، شماره‌ی عناوین، ذکر شده است (مثلاً اینوود، «درآمدی بر هرمنوتیک»، شماره ۱) و در انگلیسی نیز از اصطلاح مخفف «no.» استفاده شده است. در صورتی که عناوین مقاله، شماره‌گذاری نشده باشند، خود عنوان‌ها ذکر شده است (مثلاً رستگار، «نگاهی به هرمنوتیک و پیامدهای آن»، ذیل عنوان «هرمنوتیک در لغت و اصطلاح»). و در غیر این صورت، با توجه به این که گاهی یک مقاله در چند صفحه‌ی اینترنتی درج می‌شود، شماره‌ی صفحه‌ی اینترنتی آن ذکر شده و در فهرست منابع، آدرس کامل آن درج گردیده است.
- در مواردی که تاریخی ذکر شده است، علامت «م.» مخفف «میلادی»، «ش.» مخفف (هجری) شمسی و «ق.» مخفف (هجری) قمری می‌باشد.
- در فهرست منابع، در صورتی که محل نشر اثر در خود آن ذکر نشده باشد از اصطلاح «بی‌جا»، و اگر ناشر آن مشخص نباشد از اصطلاح «بی‌نا»، و مواردی که تاریخ نشر آن ذکر نشده باشد از اصطلاح «بی‌تا» استفاده شده است.

فصل ۱. مقدمات و کلیات

شامل:

تعریف مسأله و تبیین موضوع

ضرورت، اهمّیت و اهداف پژوهش

پرسش‌های اصلی (و فرعی) پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

پیشینه‌ی پژوهش

منابع پژوهش

کاربردهای پژوهش

جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش

استفاده‌کنندگان از نتیجه‌ی پژوهش

روش انجام پژوهش

ساختار پژوهش

تعریف اصول فقه

تعریف هرمنوتیک

تاریخچه‌ی هرمنوتیک

فصل ۱. مقدمات و کلیات

۱-۱. مقدمات

۱-۱-۱. پیش‌گفتار

به نام آن‌که انسان را کرامت بخشید و در سایه‌ی عقل و دانش، فضیلت. او که اولین خواسته‌اش این بود که «بخوان»! و خود را «معلم» معرفی نمود و «قلم» را رمز این تعلیم. به نام آن‌که فهم‌ها را گوناگون آفرید و «حقیقت» را در پس این تنوع رنگارنگ، «مستور» ساخت؛ تا آن‌که مستی و مستوری فریفته‌اش نساخته، نقاب از چهره‌ی دلربای حقیقت برگشاید و تلالؤ دوباره‌ی آن را تجربه نماید و بر دیگران افشا کند. و این، آغاز رسالت انسان است. اگر حقیقت، مستور است و افشای آن مطلوب، باید دانست که این گوهر مستور، چگونه رخ می‌نماید؟ و این نقاب تیره که بر چهره‌ی او نشسته چیست و چگونه بر می‌خیزد؟

گوهر دین نیز از این قاعده مستثنی نیست و از این نقاب تیره، عاری نمی‌باشد. صید مرواریدِ «فهم درست دین»، آرزوی هر غواصی است که در اقیانوس آرام متون دینی شناگری می‌کند. اما تلاطم امواج، عمق زیاد، و گل و لای پراکنده در آب، «مانع» این است که هر تلاشی مقرون به اصابت باشد. تنها غواصی ماهر باید تا «شاید» تواند که بر این موانع، غلبه یابد. اما هنر غواصی در دریای متن را در کجا باید آموخت؟ از کجا باید موانع این غواصی را شناخت و راه غلبه بر آن را دانست؟ غواصی در دریای همگون و ناهمگونِ متن، بسی دشوارتر است از غواصی در دریای نیلگونِ «آب»ی. مبانی و اهداف، و روش‌های متخذ از آن مبانی، اموری هستند که مسیر صیاد و نوع صید را تعیین می‌کنند. در فهم متن، آن‌چه از یک روش صید می‌شود، ای بسا بسیار متفاوت با چیزی باشد که از یک روش دیگر به دست می‌آید. اختلاف در پیش‌فرض‌ها، مبانی و اهداف نیز، منجر به چنین تفاوت‌هایی خواهد شد. آن‌چه در عالم فهم متون، «اختلاف فهم و تفسیر» نامیده

می‌شود، عمدتاً ریشه در همین «اختلاف مبانی، اهداف و روش‌ها» دارد. بنابراین، بازشناسی «مقدمات و مقومات فهم» و بازاندیشی در «مبانی، اهداف، و روش‌های فهم» بایستی در رأس برنامه‌های پژوهشی اندیشه ورزان دینی و به طور کلی متن پژوهان قرار گیرد.

ضرورت و اهمّیت تنقیح مبانی، اهداف و روش‌ها، استفاده از تجربیات سایر ادیان و حوزه‌های اندیشه ورزی را اجتناب ناپذیر می‌کند. یکی از دانش‌هایی که ارتباط مستقیمی با این مباحث دارد، دانش هرمنوتیک است که مسأله‌ی فهم را در کانون تأملات خود قرار داده است.

نوشتار حاضر، در صدد است تا در حد توان، با استفاده از آموزه‌ها و مبانی مطرح شده در دو علم هرمنوتیک و اصول فقه، به تنقیح برخی از مبانی بسیار مؤثر در مسأله‌ی اهداف فهم پرداخته و تصویر نسبتاً روشنی از این مسأله ارائه نماید. در این راستا می‌توان به شناختی موجه از اهداف فهم دست یافته و دفاعی منطقی از برخی اهداف خاص ارائه کرد.

۲-۱-۱. تعریف مسأله و تبیین موضوع

فهم متون شرعی از مسایلی است که از دیرباز مورد توجه متشرعان بوده و می‌باشد. علمی همچون: علوم قرآن و تفسیر، فقه، اصول فقه، و هرمنوتیک به این مسأله می‌پردازند. در علوم اسلامی، هدف از مراجعه به متون دینی و استنباط احکام شرعی عبارت است از: کشف و فهم مراد شارع. در هرمنوتیک ما قبل فلسفی نیز مشابه همین هدف دنبال می‌شد؛ یعنی: هرمنوتیک قدسی به دنبال قصد شارع، و هرمنوتیک رمانتیک و کلاسیک به طور عام‌تر به دنبال نیّت مؤلف و ماتن^۱ بود.

^۱ - به کار بردن اصطلاح ماتن، اگر چه قدری نامأنوس به نظر می‌رسد، اما شاید از این جهت که در مورد خداوند نیز بدون هیچ محذوری صادق است، ترجیح داشته باشد. خداوند را می‌توان ماتن قرآن دانست؛ اما نمی‌توان مؤلف آن بر شمرد؛ مگر این که در معنای مؤلف، قدری مسامحه کرده و توسعه دهیم (که البته در هرمنوتیک چنین توسعه‌ای انجام شده است). تا آنجا که نویسنده‌ی این نوشتار مطلع است برای اولین بار مؤلف مقاله‌ی «هرمنوتیک مدرن و دلایل امکان فهم متن بهتر از ماتن»، به طور گسترده‌ای از این اصطلاح استفاده نموده است. اصطلاح «صاحب اثر» نیز در این مورد مناسب به نظر می‌آید؛ خصوصاً که اصطلاح «اثر» بدون نیاز به هیچ توسعه‌ی ظاهری، شامل امور معناداری غیر از متن نیز می‌گردد.

بنابراین، شناخت معنای قصدی و به تعبیری «قصدی‌گرایی» مهم‌ترین و شاید تنها هدف معتبر در فهم تلقی می‌شد.

اما رفته رفته با پیدایش هرمنوتیک فلسفی، نظرات جدیدی در باب ماهیت فهم ارائه شد که به مسیری مخالف مسیر رایج و مقبول در فهم متون انجامید. بر اساس این نظریات، وجود اموری همچون: پیش فرض‌ها و پیش داوری‌ها، نه اموری مخل به فهم، که اساساً شرط تحقق فهم دانسته شدند که بدون آنها فهمی صورت نمی‌گیرد. همچنین اموری نظیر: تاریخی بودن انسان، دخالت افق معنایی ذهن مفسر در فهم، تأثیرپذیری ناخودآگاه و اجتناب ناپذیر از سنت و تاریخچه‌ی تفسیری، به عنوان اموری شناخته شدند که انسان و فهم او را در حصار کرده و به او اجازه‌ی تجربه‌ی ذهنیت ماتن و فهم نیت او را نمی‌دهند. مجموع این عوامل به همراه برخی دلایل و شواهد دیگر، موجب شد که اکثر طرفداران هرمنوتیک مدرن به این سمت گرایش پیدا کنند که فهم مراد ماتن، نه تنها غیر ضروری، بلکه غیر ممکن است؛ و از این رو باید به استقلال معنایی متن از مؤلف آن اعتقاد داشت و در فهم آن، مراد مؤلف را نادیده انگاشت. بر این اساس، معنای متن توسط نیت مؤلف تحدید نگشته و بنابراین می‌توان در مورد آن، به معانی متعدد و بی‌نهایتی که همگی صحیح و معتبرند باور داشت. طبق این نظر، خواننده و مفسر متن، برای فهم آن، نه تنها محتاج به مؤلف و ماتن نیست؛ بلکه حتی ممکن است متن را بهتر از ماتن بفهمد؛ یعنی به زوایایی از معنای متن پی‌ببرد که برای خود ماتن ناپیدا بوده است.^۱

این نظریات، به طور مستقیم، نظریه‌ی مقبول و رایج در فهم متون، یعنی قصدی‌گرایی و تلاش برای فهم نیت ماتن را به چالش می‌کشند و طرفداران نظریه‌ی رایج را وادار می‌سازند که یا از نظر خویش دست بردارند و یا شبهات و ادله‌ی گروه مقابل را پاسخ دهند.

در این راستا، این تحقیق در صدد است تا با توجه به آموزه‌ها و مبانی اتخاذ شده در دو علم

هرمنوتیک و اصول فقه:

^۱ - البته ردّ پای این مطلب را در آثار کسانی همچون شلایرماخر نیز می‌توان یافت (ببینید بحث «تاریخچه‌ی هرمنوتیک» را در همین نوشتار: ۱-۲-۳).

(۱) پیش‌فرض‌ها و مبانی اصلی اختلاف در مسأله‌ی اهداف فهم را در کانون توجه خود قرار دهد و از این طرق، از یک سو شناخت قصد مؤلف را به عنوان هدفی معتبر، مطلوب، و ممکن مورد تأکید قرار دهد؛ و از سوی دیگر راه را برای پذیرش سایر اهداف فهم هموار سازد. تنها در این صورت است که می‌توانیم تصوّر درستی از نظریه‌ی قصدی‌گرایی داشته باشیم.

(۲) با بررسی و نقد شبهات مطرح شده در مورد قصدی‌گرایی و نیز مقایسه‌ی قصدی‌گرایی غربی با قصدی‌گرایی اصولیان، تصوّر درست و جامعی از قصدی‌گرایی ارائه کرده و تصوّرات غلط در این زمینه را مورد شناسایی و ابطال قرار دهد.

(۳) با توجه به ویژگی‌های خاص متون الهی از یک سو، و اشکال مختلف قصدی‌گرایی از سوی دیگر، و وجود برخی دیگر از اهداف فهم از سوّم سو، آشکالی از قصدی‌گرایی که با متون الهی سازگار بوده شناسایی شوند و امکان تلفیق آنها با برخی دیگر از اهداف فهم در این متون بررسی گردد.

۳-۱-۱. ضرورت، اهمّیت و اهداف پژوهش

با توجه به مطالب گذشته ضرورت این تحقیق به خوبی آشکار می‌گردد؛ زیرا اکثر نظریات جدید هرمنوتیک، نظریه‌ی مقبول و رایج در مورد فهم متون را (اعم از شرعی و غیر شرعی) مردود و حتی تحقّق آن را غیر ممکن دانسته، و بر این ادّعا ادّله و شواهد مختلفی ارائه نموده‌اند که ضرورت دارد با دقّت، بررسی و پاسخ داده شود. از سویی، میان قصدی‌گرایی غربی و قصدی‌گرایی اصولیان تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد که بررسی تطبیقی آنها می‌تواند به درک بهتر و کامل‌تری از قصدی‌گرایی منجر شود؛ همچنان که توجه به برخی دیگر از اهداف فهم می‌تواند چنین نتیجه‌ی ارزشمندی را داشته باشد.

با توجه به مطالب یاد شده، هدف تحقیق این خواهد بود که: اولاً مبانی اثرگذار بر بحث اهداف فهم را مشخص کرده و در این راستا زمینه‌ی مناسبی برای طرح نظریه‌ی مورد قبول در قصدی‌گرایی فراهم نماید؛ ثانیاً اشکالاتی را که علیه قصدی‌گرایی مطرح گشته استحصا کرده و